

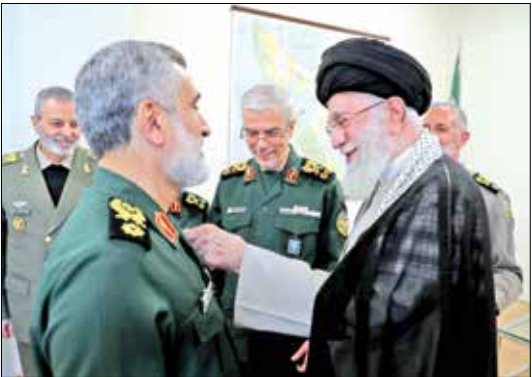
میراث‌داران طهرانی مقدم

مروری بر چرایی و روند انتشار مجموعه چهار جلدی **آسمان‌دار**

درباره چهار فرمانده شهید هوافضای سپاه



تصویری از شهید محمدباقر طاهریور ۱ در دیدار با رهبر شهید



اعطای «شان فتح» به سردار شهید حاجی‌زاده توسط رهبر شهید ۱ در پی عملیات «عده صادق»

کار این چند رده حداقل تا چند روز مختل می‌شد. این در حالی است که در کمتر از چند ساعت، رده‌های دفاعی مذکور با همان جدیت و شدت قبل کار خود را از سر گرفتند. خب این برای مردم و مخاطبان سؤال مهمی ایجاد می‌کند: که چه سیستم مدیریتی و چه استراتژی خاصی بر آن سازمان حاکم است که با وجود شهادت فرماندهان خود همچنان متوقف نشده‌است! این مسأله‌ای است که من و دیگر همکاران پروژه «آسمان‌دار» در روند کار به بخشی از چرایی‌اش پی برده‌ایم، دلیل ساده‌اش آن است که مدیریت در این سازمان مهم قائل به وجود فرد و به عبارتی فردمحور نیست. انتخاب این اشخاص بنابر اثرگذاری‌شان در شکل‌دهی و تداوم چنین شیوه‌ای است، بی‌شک یک روش مدیریت اصولی سبب شد که حتی با وجود شهادت مهره‌های کلیدی مدیریت سازمان هوافضا، سیستم دفاعی آن بی‌هیچ وقفه‌ای کار خود را در حافظت از سرزمین‌مان از سر بگیرد. بخشی از این فعالیت خدشه‌ناپذیر به مدیریت بی‌نظیر شهید حاجی‌زاده و به کادرسازی فوق‌العاده‌شان برمی‌گشت.



دیگر فرماندهانی که انتخاب شدند نیز سبکی مشابه شهید حاجی‌زاده داشتند. بخشی از هدف انتشار کتاب‌های این مجموعه به منظور دستیابی به الگوی مدیریتی‌شان بود؛ الگویی که از سوی آنان دنبال و در نتیجه به نتایجی مهم منتهی شد. این چهار فرمانده، با وجود مسئولیت‌های متفاوت، الگوی مدیریتی مشابهی به کار برده بودند که چنان نتایج مهمی را به دنبال داشت. بنابراین مخاطب کتاب‌های این مجموعه فقط مدیران نظامی و افراد خواهان فعالیت در عرصه‌های مشابه نیستند، بهره‌مندی از شیوه و سبک مدیریتی این فرماندهان، در هر سازمانی و با هر نوع عملکردی می‌تواند راهگشا باشد؛ از سازمان‌های دولتی و خصوصی گرفته تا حتی مراکز آموزشی و حتی در خانه و خانواده. شیوه فعالیت این شهدا، بیش از آنکه محدود به مراکز نظامی باشد، یک سبک مدیریت انسانی است، مؤلفه‌هایی که در مواجهه با اداره امور در پیش می‌گرفتند کارکردهای زیادی دارد؛ اینکه هدف را بزرگ می‌انگاشتند. آرزوهای بلندپروازانه در سری‌ی‌پروازند و سختکوشانه و مجاهدانه برای تحقق مسئولیت‌هایی که به عهده‌شان بود می‌کوشیدند و برای کادرسازی و حفظ کرامت افراد زیردست‌شان، اهمیت زیادی افراد زیردست‌شان، اهمیت ویژه و به هیچ‌وجه همچون رئیس سازمان و زیردستان خود داشتند. به لطف این شیوه مواجهه، روابط انسانی گرمانه‌ای در مراکز که در آنها

حضور داشتند حاکم شده بود. در کنار اینها، ویژگی‌های شخصیتی‌شان نیز مثال‌زدنی بود، اخلاص و پایبندی‌شان به ستنها و مسائل دینی- اعتقادی نیز می‌تواند الگویی برای عموم باشد. مجموع اینها را در هر جایی به کار خوب تبدیل می‌شود.

ضرورت همصدایی در روایت

از بحث چگونگی شکل‌گیری ایده تألیف و انتشار کتاب‌های این مجموعه و چرایی انتخاب چهار فرمانده شهیدی که نام آنها بر جلد کتاب‌های این مجموعه درج شده که بگذریم؛ یکی از مسائل پیش‌روی ما در ساماندهی محتوای جمع‌آوری شده، یک‌دست‌سازی قلم نویسندگان این مجموعه بود؛ اینکه در نهایت با روایت‌هایی از لحن و ساختار روایی مشابه برخوردار باشیم و صدایی واحد حاصل شود. از همین رو قبل از آغاز کار به یک قالب مشترک دست یافتیم؛ در حین کار نیز پیشنهادهای لازم به نویسندگان ارائه می‌شد، البته خانم مرضیه اعتمادی، نویسنده باتجربه‌ای هستند ولی دو نویسنده دیگر، کتاب‌اولی بودند. در پایان، بازبینی مجددی درخصوص هر چهار کتاب انجام شد و هم‌صدایی لازم میان آنها به شکلی مطلوب رسید.

میان آنها به شکلی مطلوب رسید. روایت خود را آغاز کنند و انتخاب نقطه شروع به سلیقه خودشان گذاشته است. اما آنچه در کتاب‌ها تأکید ویژه بر آن داشتیم، تلاش برای انعکاس ویژگی‌های شخصیتی شهدای مورد نظر بود؛ در عین حال قرار شد که در هر کتاب، مختصری از سال‌های کودکی و نوجوانی و همچنین محیط خانواده‌ای که در آن رشد یافته‌اند نیز درج شود؛ اما محور اصلی کتاب، پیرامون رفتار مدیریتی آنان باشد. برای گردآوری و پردازش این فرماندهان، در

انجام گرفته است. اما نکته دیگری که در مواجهه با چنین کتاب‌هایی مطرح می‌شود، مسائل امنیتی و ملاحظات است که به میان می‌آید و حفظ تعادل میان گفته‌ها و ناگفته‌ها، بیش از کتاب‌های روایت‌محور غیرنظامی، باید تلاش به خرج می‌دادیم. این بزرگ‌ترین چالشی بود که در روند تألیف و انتشار کتاب‌ها با آن روبه‌رو شدیم. بخشی از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان را ما حذف می‌کردیم و بخش‌هایی را خود روایان. مسأله دور از تصویری هم نبود، هرچند که کارها در ا قدری دشوار می‌ساخت اما به هر حال در همه جای



شهید محمود باقری در کنار سردار سیدمجید موسوی ۱

دنیا، در مواجهه با افرادی در چنین سطح امنیتی- نظامی باید به خطوط قرمز توجهی ویژه داشت. با این حال گاهی به نظر می‌رسید که روایان، بیش از آنچه ضرورت ایجاب می‌کرد دست به خودسانسوری می‌زدند، ما که عتش شنیدن داشتیم، در چنین مواقعی اصرار می‌کردیم که بدون هیچ نگرانی خاصی صحبت کنند و به آنان اطمینان می‌دادیم که در روند تألیف و انتشار کتاب‌ها، محتوای آثار را حفاظت سازمان و همچنین سردار موسوی نیز چک می‌کنند و در صورت نیاز، ملاحظات لازم را در نظرمی‌گیرند. نگرانی‌های به‌جایی نیز بود، به هرحال هنوز زمان چندانی از شهادت آنان نگذشته و از سویی ما همچنان در جنگ هستیم و باید از اعلام عمومی برخی مسائل امنیتی پرهیز کنیم. در نهایت محتوای کتاب‌ها از سوی حفاظت سازمان هوافضا و همچنین از سوی سردار موسوی بررسی شدند.

روایت‌هایی داستانی اما مستند

ویژگی مهمی که در مطالعه کتاب‌های مجموعه «آسمان‌دار» مورد پسند خوانندگان قرار گرفته و درباره آن اظهارنظر مثبت کرده‌اند، لحن داستانی اما کاملاً مستند روایت‌هاست. برای دستیابی به این شیوه روایت براساس مخاطب‌شناسی و تجربه نویسندگی‌مان پیش رفتیم، اقدامی که می‌توانست در جذب هرچه بیشتر مخاطبان به مطالعه این کتاب‌ها مؤثر واقع شود چراکه صرفاً به دنبال آنکه این مجموعه به کتابخانه‌ها راه پیدا کند، نیستیم. خواهان آن هستیم که خاطرات از ذهن روایان خارج شده و بر مقصد نهایی‌مان که روح و جان مخاطبان است بنشیند. همان‌گونه که رهبر شهید همواره به مطالعه خاطرات اینچنینی تأکید داشتند، این کتاب‌ها باید خوانده شوند و ما نیز با چنین هدفی دست به‌کار شدیم. بنابراین در عین تلاش برای حفظ وجهه استنادی کار، خواهان ارائه هرچه خواندنی و جذاب‌تر کتاب‌ها بودیم تا مخاطبان مجموعه «آسمان‌دار» تنها به پژوهشگران یا قشر خاصی محدود نشوند. تا به امروز استقبال خوبی از کتاب‌های این مجموعه شده، آنچنان که از خرداد تا شهریور، به چاپ چهارم رسیده‌اند. به گمانم برای این استقبال دلایل مختلفی را می‌توان برشمرد که بخشی از آن در نتیجه نوع روایت و نثر داستانی آن است و بخش عده‌ای به جذابیت خود سوزه بازی‌گرند؛ اینکه کتاب‌های مجموعه «آسمان‌دار» درباره‌هایی است که برای اغلب‌مان نام‌های شناخته شده‌اند. حتی اگر مردم شناخت چندانی از آنان نداشته باشند، بارها اسم‌شان را در خبرها خوانده یا شنیده‌اند؛ درست برخلاف موقعی که سخن از شخصیتی چون محمدباقر طاهریور



مردی که می‌توانست پرواز کند ۱ روایت‌هایی از زندگی شهید محمدباقر طاهریور نویسنده: سید محمد یوسف جلالی انتشارات: شهید کاظمی تعداد صفحات: ۱۰۴ صفحه قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

هم برای این دنیا و امکاتی که برای زندگی در اختیارمان قرار گرفته اهمیت قائل بود و هم برای آن دنیا و توشه آخرت اندوختن. شاید امثال شهید حاجی‌زاده و شهید طهرانی مقدم را از دست داده باشیم، اما تفکرات آنان و عشق‌شان به وطن، همچنان جاری است. آخر آنکه امیدوارم همه مردم کتاب‌های «مردی که می‌خواست پرواز کند» روایت‌هایی از زندگی شهید شهید امیرعلی حاجی‌زاده»، «مردی که هوای آسمان را داشت» روایت‌هایی از زندگی شهید داوود شیخیان»، «مردی که نمی‌خواست دیده شود؛ روایت‌هایی از زندگی شهید محمود باقری» و «مردی که می‌خواست پرواز کند» روایت‌هایی از زندگی شهید محمود باقری در افاق بی‌پایان برای بستری برای پژوهشگران رشته‌های هوافضا، کامپیوتر، مکانیک، اتاق فکر و خطوط مهندسی پهبادی را راه‌اندازی کرد. نویسنده علاوه بر تشریح فرآیندهای فناوریانه، اضطراب‌ها و تصمیم‌گیری‌های پر فشار در اتاق‌های خلبانی از راه دور را به خوبی توصیف کرده‌است؛ لحظاتی که حفظ لینک ارتباطی و مدیریت پروازهای طولانی شرایط جوی نامساعد، نیازمند هوشیاری بالایی بود. کتاب تأکید می‌کند که طاهریور پرواز را افتی بی‌پایان برای یادگیری و نوآوری می‌دانست. «مردی که می‌توانست پرواز کند» ادای احترامی پژوهشی به دانشی است که با دستان خالی اما اراده‌ای تسلیم‌ناپذیر بر فراز آسمان‌ها به پرواز درآمد.



شهید داوود شیخیان ۱

روایت فتح آسمان

مروری بر زندگی فرماندهان شهید هوافضا



مردی که نمی‌خواست دیده‌شود ۱ روایت‌هایی از زندگی شهید محمود باقری نویسنده: مرضیه اعتمادی انتشارات: شهید کاظمی تعداد صفحات: ۸۸ صفحه قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

تاریخ تحولات فنی و دفاعی معاصر ایران در عرصه‌های موشکی، پدافندی و سامانه‌های پرواز، از شاخص‌ترین جلوه‌های پیشرفت علمی و بازناندگی کشور به شمار می‌رود؛ حوزه‌ای راهبردی که بخش عمده‌ای از دستاوردهای آن، حاصل هم‌افزایی دانش بومی، متخصصان این میدان بوده است. مجموعه کتاب مستند چهارجلدی «آسمان‌دار» که با دبیری فائزه غفارجادای در مؤسسه فرهنگی هنری روایت سوره تولید و از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شده، اثری پژوهشی در بازخوانی تاریخ شفاهی و تجارب زیسته این حوزه است. این مجموعه با تمرکز بر ابعاد انسانی و مدیریتی، کارنامه و مختصری از زندگی چهار تن از فرماندهان شاخص و اثرگذار نیروی هوافضای سپاه پاسداران را در چهار عنوان پیش روی مخاطب قرار داده است: «مردی که می‌خواست زنده بماند» روایت زندگی سردار شهید امیرعلی حاجی‌زاده، «مردی که هوای آسمان را داشت» روایت زندگی سردار شهید داوود شیخیان، «مردی که نمی‌خواست دیده‌شود» روایت زندگی سردار شهید محمود باقری و «مردی که می‌توانست پرواز کند» روایت زندگی سردار شهید محمدباقر طاهریور.

با انگیزه و حامی استعداد‌های جوان

«مردی که می‌خواست زنده بماند» نوشته فائزه غفارجادای به روایت زندگی شهید امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه می‌پردازد. واژه «زنده ماندن» در این اثر، بیش از هر چیز بیانگر بینش فرماندهی است که بقا و پویایی ساختار دفاعی کشور را در تالطم تهدیدهای پی‌رامتی، شرط اساسی توسعه راهبردی می‌دانست. نویسنده با تکیه بر تجارب قبلی خود در مستندنگاری دفاع مقدس، روایتی خواندنی خلق کرده که کانون آن، مدیریت فشارهای سنگین و نحوه اتخاذ تصمیم‌های راهبردی در موقعیت‌های حساس و سرنوشته‌ساز است. بخشی از روایت‌های کتاب به توصیف شرایط زندگی و ویژگی‌های شخصیتی شهید حاجی‌زاده می‌پردازد، اینکه در محله فلاح تهران متولد می‌شود، محله‌ای که جوانانش یا زور می‌گفتند یا مقابل دشمنان رزگویی می‌ایستادند و امیرخان این کتاب، جزو دسته دوم بود؛ تصمیم گرفته بود در مقابل دشمنان بایستد و در همین راه نیز به شهادت رسید. نویسنده به‌جای ارائه تصویری دست‌نیافتنی، چهره‌ای واقع‌گرا از مدبری با انگیزه ترسیم می‌کند که در برابر پیچیده‌ترین موقعیت فنی، تکیه بر توان داخلی را به یک دکترین عملیاتی بدل ساخت. نویسنده همچنین به الگوی هدایت نیروی هوافضای در این ساختار پرداخته است؛ سازمانی که در آن شایسته‌سالاری فنی، اعتماد به استعداد‌های جوان دانشگاهی و ایجاد حس مسئولیت جمعی، از اصول تغییرناپذیر به شمار می‌رفت.

حافظ و مشوق خودباوری نیروها

«مردی که نمی‌خواست دیده‌شود» نوشته مرضیه اعتمادی به روایت‌هایی از زندگی شهید محمود باقری، فرمانده موشکی هوافضای سپاه تعلق دارد. این اثر روایتگر زندگی و دستاوردهای شهید باقری، از پایه‌گذاران و چهره‌های محوری صنایع موشکی و پیش‌ران‌ش کشور است. عنوان کتاب بیانگر منش این متخصص با سابقه است؛ مردی که همواره در هسته حساس‌ترین پروژه‌های سوخت جامد و فناوری‌های هدایت دقیق حضور داشت، اما براساس اعتقاد فردی و ضرورت‌های سازمانی، از شهرت دوری می‌کرد. اعتمادی با استفاده از روایت‌های همکاران قدیمی، دانشمندان حوزه پلیمر و شیمی پیش‌ران و اعضای خانواده، پرتره‌ای از این مدیر متواضع در برابر مخاطبان می‌گذارد. شهید باقری نیز نظیر دیگر شهدای این مجموعه چهار جلدی، از شاگردان شهید طهرانی مقدم بوده است: «حسن آقا طهرانی مقدم بچه‌هایش را این‌طور بار آورده بود؛ جوری که در برابر دشمن، خودشان را توانمند و همه‌فن حریف ببینند و در مقال خدا، هیچ‌کاره. حاج محمود هم همین‌طور بود... نمی‌خواست توی چشم هیچ کس جز خدا بخاند» در خلال روایت‌ها، نویسنده نشان می‌دهد که دستاوردهای موشکی امروز، نتیجه سال‌ها آزمون‌های مداوم، طراحی‌های مجدد و صبر در برابر ناملایمات فنی بوده است. باقری در تمام این مراحل، به عنوان تکیه‌گاهی آرام برای تیم‌های مهندسی عمل می‌کرد؛ مدبری که در سختی‌ها روحیه خودباوری مجموعه را حفظ می‌کرد و فرآیند یادگیری از آزمون‌ها را عامل دستیابی به موفقیت نهایی می‌دانست.

الگویی از مدیریت علمی و جهادی

کتاب «مردی که هوای آسمان را داشت» نوشته زینب‌سادات طباطبایی، نگاهی مستند به کارنامه شهید داوود شیخیان، فرمانده پدافند هوافضای سپاه دارد. روایت‌های کتاب تصویری واقعی و صمیمانه از او ارائه می‌دهد؛ ویژگی‌هایی که شاید در نگاه نخست سخت‌چندانی با جایگاه نظامی‌اش در آن سطح قابل‌توجه نباشد. روایت‌هایی که او را شهید خوش‌تیپ هوافضا معرفی می‌کنند؛ اینکه یک مذهبی تمام‌عیار خوش‌پوش بوده و به‌اصول است‌کردن، حتی در پوشش نظامی نیز اهمیت می‌دهد، هماهنگی بندساعت با لباس‌هایش و خط اتوبی که همیشه در چشم می‌آمد. این خوش‌تیپ‌اش، به خصوصیتی مسری تبدیل شده بود، حالا بماند که قانونمند و منظم هم بود؛ ولی نه شبیه آن آدم‌های خشک و عصاقراده! مجموع این ویژگی‌ها در کنار کتابخوان بودن و از آن مهم‌تر جسارت و خلافتیش در میان نیروها به او جایگاهی منحصر به فرد بخشیده بود. در کنار توصیف و واکاوی منش اخلاقی حاج داوود، این کتاب به نقش کلیدی شهید شیخیان در توسعه سامانه‌های پدافندی بومی و ارتقای امنیت حریم هوایی کشور نیز می‌پردازد. نویسنده با بهره‌گیری از خاطرات و اسناد، ابعاد تخصصی، راهبردی و انسانی زندگی شهید را به تصویری می‌کشد تا الگویی از مدیریت جهادی و علمی ارائه دهد. این فرمانده پدافندی نیز نظیر دیگر شهدای این مجموعه، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در جریان جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسید.

مردی با اراده‌ای تسلیم‌ناپذیر

«مردی که می‌توانست پرواز کند» نوشته سیدمحمد یوسف جلالی، روایت‌هایی از زندگی شهید محمدباقر طاهریور را شامل می‌شود. جلالی در این کتاب به بررسی زیست عملیاتی و علمی شهید طاهریور اختصاص دارد؛ شخصیتی که نقش از زندگی در گسترش و ارتقای ناوگان پهبادها ایفا کرد. این کتاب بیانگر گذار سریع صنایع دفاعی از برنده‌های ابتدایی شناسایی به پهبادهای شناسایی، مراقبتی و رزمی بر بلند است. جلالی با تکیه بر داده‌های تاریخی و اسناد تخصصی نشان می‌دهد که طاهریور، فرمانده‌ای نا‌آور بود که توانست پارادایم‌های سنتی طراحی سامانه‌های هوایی را با الزامات نبردهای نوین همگام کند. کتاب نشان می‌دهد طاهریور چگونه با فراهم آوردن بستری برای پژوهشگران رشته‌های هوافضا، کامپیوتر و مکانیک، اتاق فکر و خطوط مهندسی پهبادی را راه‌اندازی کرد. نویسنده علاوه بر تشریح فرآیندهای فناوریانه، اضطراب‌ها و تصمیم‌گیری‌های پر فشار در اتاق‌های خلبانی از راه دور را به خوبی توصیف کرده‌است؛ لحظاتی که حفظ لینک ارتباطی و مدیریت پروازهای طولانی شرایط جوی نامساعد، نیازمند هوشیاری بالایی بود. کتاب تأکید می‌کند که طاهریور پرواز را افتی بی‌پایان برای یادگیری و نوآوری می‌دانست. «مردی که می‌توانست پرواز کند» ادای احترامی پژوهشی به دانشی است که با دستان خالی اما اراده‌ای تسلیم‌ناپذیر بر فراز آسمان‌ها به پرواز درآمد.

نویسنده: زینب‌سادات طباطبایی انتشارات: شهید کاظمی تعداد صفحات: ۸۸ صفحه قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان